

تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟
۱۰۴
محمد باقر پورامینی

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنمای ۱۰٤ (تکفیر چیست و تکفیری کیست)

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنمای ۱۰۴ (تکفیر چیست و تکفیری کیست)

مشخصات کتاب

شابک : ۴۳۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۷۰۴-۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۲۳۵۷۱

عنوان و نام پدیدآور : تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟/ محمدباقر پورامینی ؛ تهیه و تنظیم اداره پاسخ گویی به سوالات دینی آستان قدس رضوی ؛ ویراستار سیدحمید حیدری ثانی.

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۵۲ ص.: مصور (رنگی).؛ ۱۱×۱۷س م.

فروست : به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)؛ ۲۱۹۹.رهنما؛ ۱۰۴.

موضوع : تکفیر (فقه)

موضوع : (Excommunication (Islamic law

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴

رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۳/پ۹ت۸ ۱۳۹۶

سرشناسه : پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -

Pouramini, Mohammad Bagher

شناسه افزوده : شرکت به نشر(انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره پاسخگویی به سئوالات دینی و اطلاع رسانی

شناسه افزوده : (Behnashr Company(Astan Quds Razavi Publications

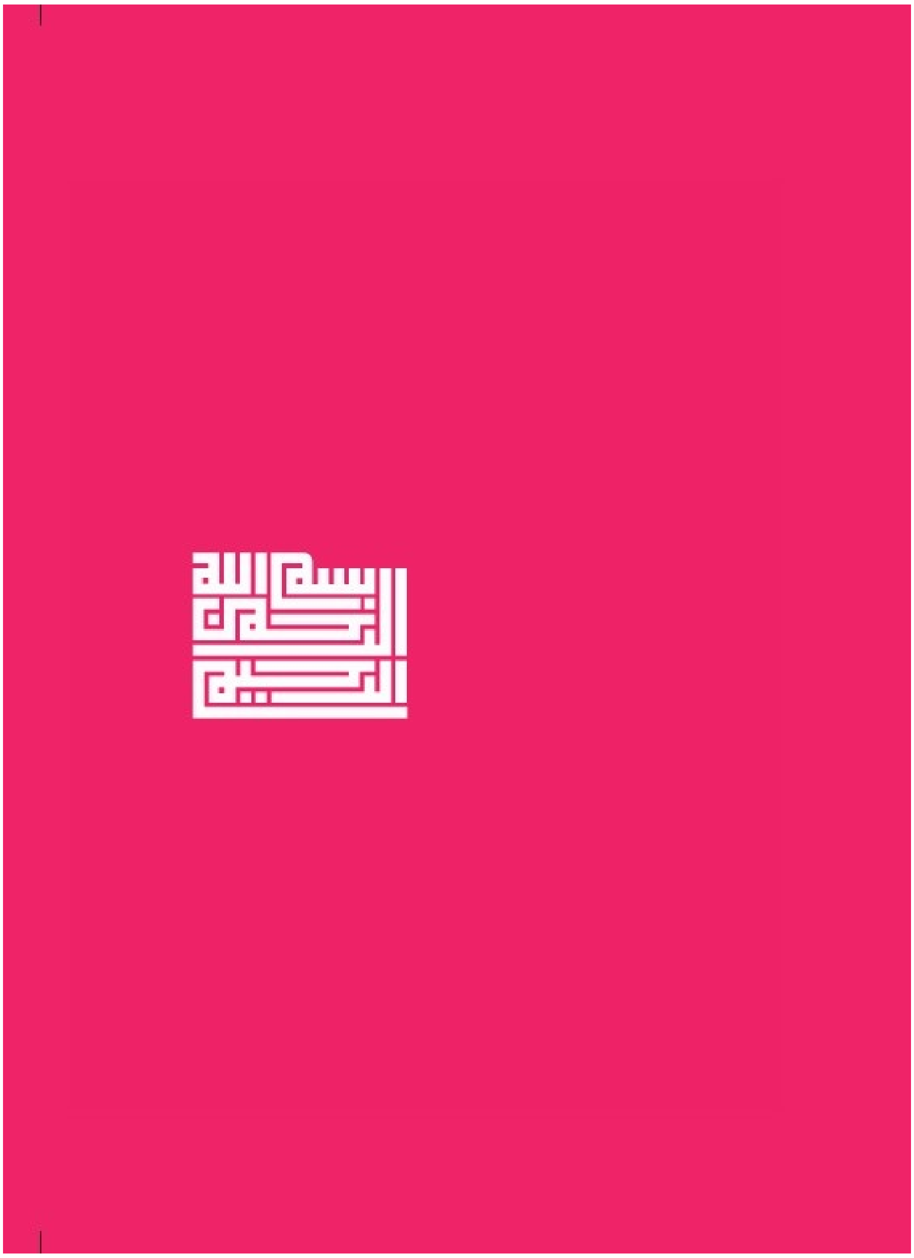
وضعیت فهرست نویسی : فیپا

تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟

محمدباقر پورامینی

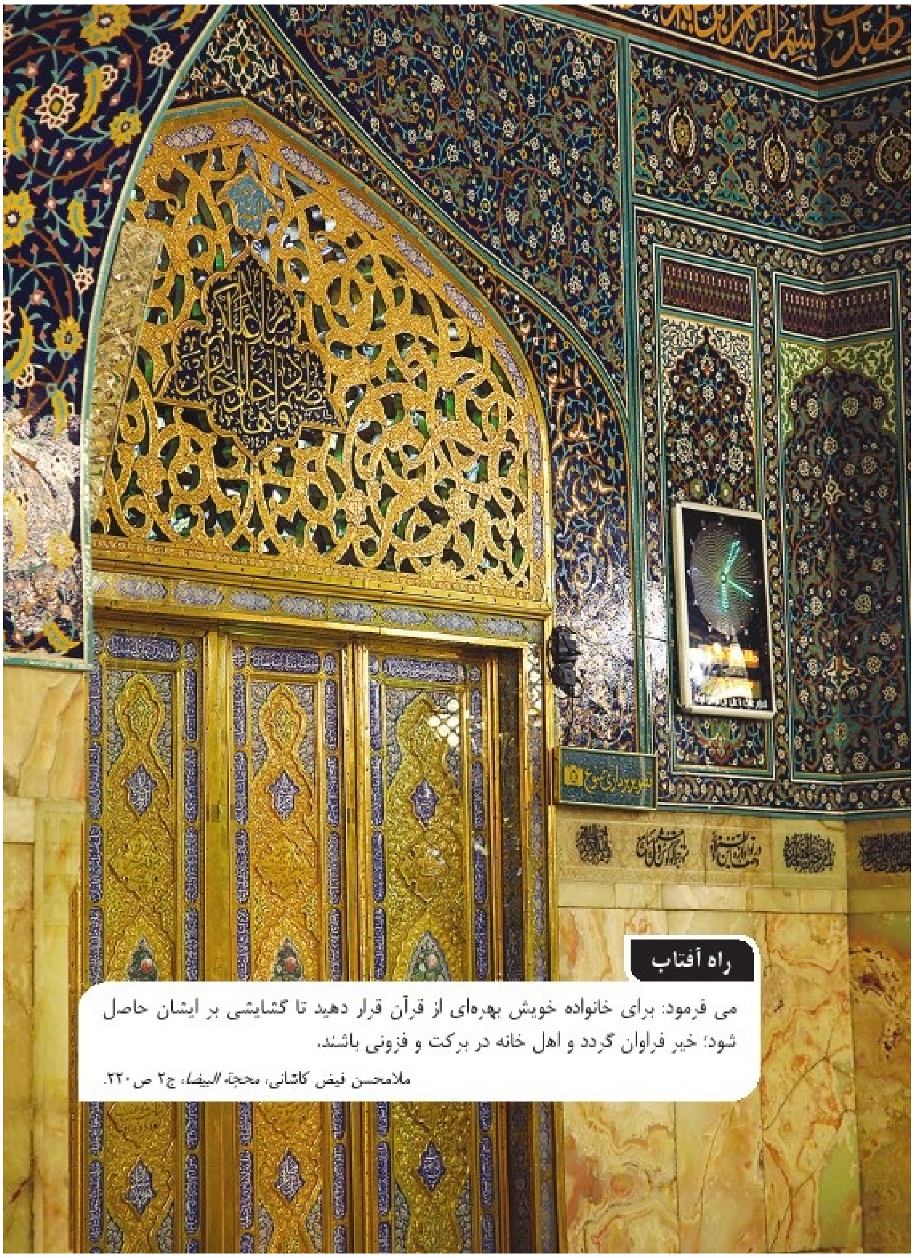
اشاره

تصویر



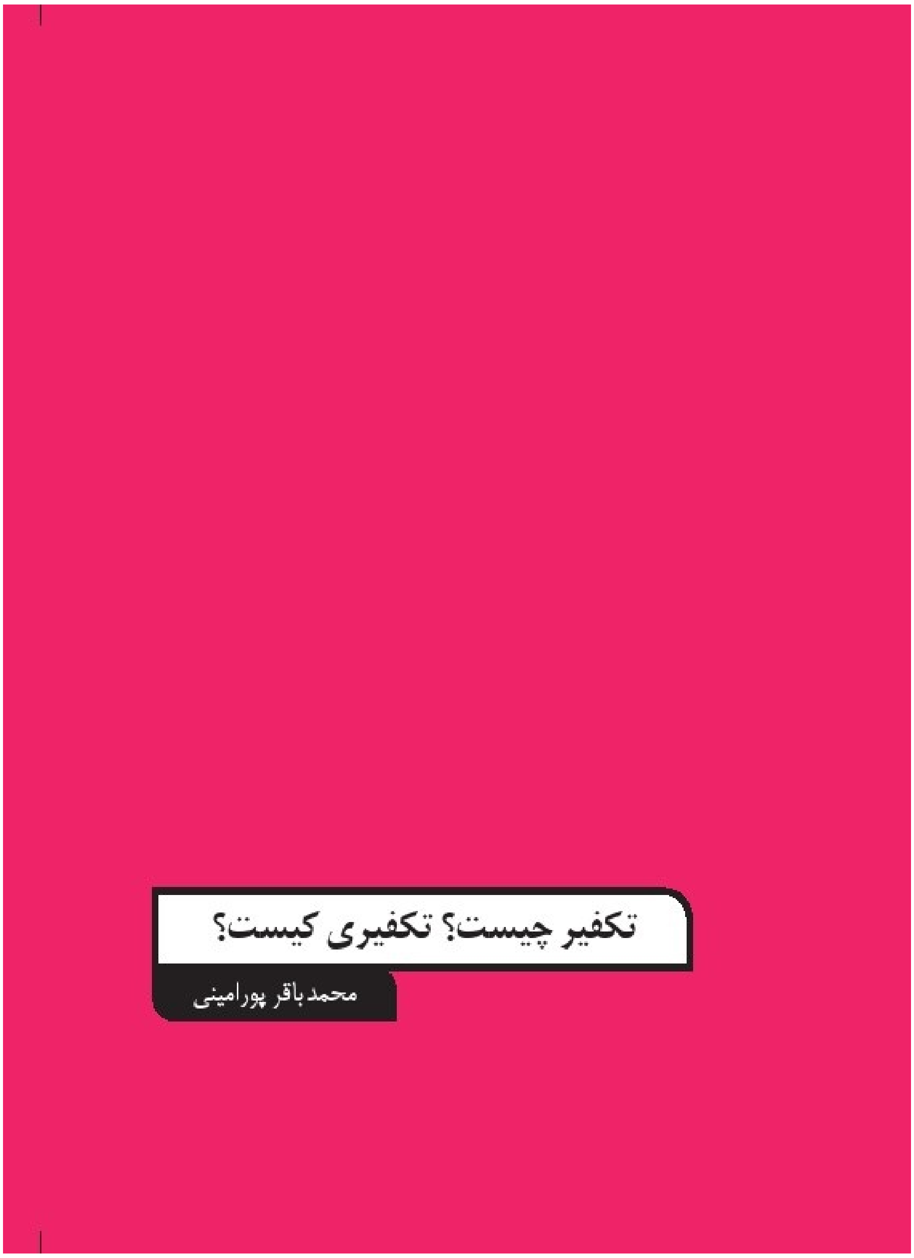
ص:۲

تصویر



راه آفتاب
می فرمود: برای خانواده خویش بهره‌ای از قرآن قرار دهید تا گشایشی بر ایشان حاصل شود؛ خیر فراوان گردد و اهل خانه در برکت و فزونی باشند.
ملامحسن فیض کاشانی، *محجة البیضا*، ج۲ ص ۲۲۰.

تصویر



تکفیرچیست؟ تکفیری کیست؟

دریچه

در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش هاییم:

۱. تکفیر و تکفیری به چه معناست؟

۲. آیا در نگاه قرآن و سنت، می توان مسلمان را تکفیر کرد؟

۳. تکفیری های امروز از کجا ریشه گرفته اند؟

۴. رابطۀ سلفی های وهابی و تکفیری ها چیست؟

۵. موضع دانشمندان اهل سنت در برابر مواضع و جنایت های تکفیری ها چیست؟

تصوير



ص:٨

درآمد

امروزه «تکفیر» دستاویز سلفیان وهابی شده است. این گروه را تکفیری می گویند؛ چون کفر را به دیگر مسلمانان نسبت می دهند. بدیهی است شناخت این پدیده، نیازمند آشنایی با ریشه و تاریخچه و کاربرد تکفیر است. در این مختصر، می خواهیم ببینیم جریان سلفیگری چه میزان انحراف دارد و چه اندازه از مفاهیم و اصطلاحات، سوءاستفاده می کند

ص:۹

تصوير



ص:١٠

فصل اول: معنای تکفیر

اشاره

تصویر



ص:۱۱

تصویر



ص:۱۲

۱.مفهوم تکفیر

«کفر» به معنای پوشش و پوشاندن است.(۱) در اصطلاح جاری در کلام و فقه، انکار توحید و نبوت و ضروری دین را اگر به انکار رسالت بینجامد، کفر می نامند.(۲) تکفیر نیز در اصطلاح به معنای کافردانستن کسی یا نسبت دادن کفر است.(۳)

تکفیر به معنای نسبت دادن کفر به شخص یا گروهی، در قرآن کریم مصادیق پرشماری دارد؛ ازجمله کسانی که حضرت مسیح را خدا پنداشتند(۴) و افرادی که به مردم جادوگری می آموختند.(۵) در احادیث نیز عواملی که ممکن است سبب تکفیر شود و نمونه های غیرمجاز و شروط آن، به تفصیل مطرح شده است. اما امروزه تکفیر، کاربرد ویژه ای پیدا کرده و به دور از مفهوم واقعی خود، فقط دست مایهٔ سلب حیثیت و طرد و قتل

۱- ۱. راغب، المفردات فی غریب القرآن، ص۷۱۴.

۲- . یزدی، العروه الوثقی، کتاب الطهاره، مبحث النجاسات.

۳- . البته معانی دیگری نیز برای تکفیر بیان شده است؛ ازجمله پاک کردن گناهان و ابطال عقاب، پرداختن کفارهٔ سوگند (ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص۱۴۸)، نهادن یک دست بر روی دست دیگر برای ادای احترام (طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۴۷۷) یا نهادن یک دست بر روی دست دیگر در نماز (شوکانی، نیل الأوطار، ج۲، ص۲۰۴؛ العینی، عمده القاری، ج۵، ص۲۷۹).

۴- . مائده، ۱۷و۷۲و۷۳.

۵- . بقره، ۱۰۲.

بخش مهمی از مسلمانان توسط سلفیان وهابی شده است.

۲.پیشینه

اشاره

تکفیر در میان مسلمانان، به پس از رحلت رسول خدا باز می گردد. برخی از حوادث مهم تاریخی در دهه های آغازین اسلام، به سبب تکفیر روی داده است. ازجمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم، جنگ های «رِدّه» در زمان ابوبکر بود. در این جنگ ها، دستگاه خلافت، معارضان خود را به دلیل ندادن زکات و نپذیرفتن اصل خلافت، کافر و خارج از دین خواند.(۱) این حادثه، حتی در میان افراد نزدیک به خلیفه، تردیدهای بسیاری به وجود آورد.

شکل گیری گروه خوارج و حرکت های خشونت بار آنان نیز با تکفیر در ارتباط بود؛ به گونه ای که می توان خوارج را نخستین گروهی برشمرد که مسلمانان را تکفیر کردند. بسیاری از فرقه های خوارج نه تنها کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می شد، بلکه امت پیامبر را نیز تکفیر می کردند.(۲)

آنان حتی حرمت جایگاه امیرمؤمنان، علی را پاس نمی داشتند و ایشان را تکفیر می کردند.(۳)

نمونه ای از تکفیر نیز در میان بعضی از معتزله و اشاعره گزارش شده است: آنان مشبّهه را تکفیر

۱- . طبری، تاریخ الطبری، ج۳، ص ۲۵۰تا۲۵۲؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج۱، ص۱۵و۱۶و۲۳.

۲- . شهرستانی، الملل و النحل، ج۱، ص۱۲۲و۱۲۸و۱۳۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۸، ص۱۱۳.

۳- . مجلسی، بحارالانوار، ج۳۷، ص۱۵.

می کردند.(۱)

پنجره:

هرچنـد نمونه های فردی و جمعی تکفیر در تاریـخ اسـلام گزارش شـده و در برهه هایی از تاریخ، این جریان شایع بوده است، نمی توان تکفیر را در میان فرقه ها و نحله های گوناگون اسلامی چندان عمده و سرنوشت ساز دانست. حتی در نگاهی کلان، نمونه های افراط آمیز تکفیر، چه آنان که تکفیر کرده اند و چه آنان که تکفیر شده اند، اندک به نظر می رسـند. امروزه شمار پیروان دیـدگاه افراطی تکفیر، در مقایسه با کل جمعیت مسـلمانان، چندان نیست؛(۲) اما به سـبب برخورداری از موقعیت های مالی و سیاسی، عملکرد ایشان بازتابی گسترده دارند.

جز دربـارهٔ جریـان وهـابیت که مهم ترین فرقـهٔ مروج و مجری تکفیر است، ظـاهراً نظر علمـا و فقهای مـذاهب مهم اسـلامی در کاهش ترویج تکفیر مؤثر بوده است؛ زیرا فقهای شـیعه نسـبت دادن بی دلیل کفر به مسـلمان را مسـتوجب تعزیر دانسته اند.(۳) ازسویی، غزالی نیز ضمن توضیح معیار

ص:۱۵

۱- . ابن طاووس، الطرائف، ج۲، ص۳۵۵.

۲- . دانشنامهٔ جهان اسلام، ج۸، ص۳۷، سیف اللّه صرّامی، مدخل تکفیر.

۳- . شهید ثانی، الروضه البهیه، ج۹، ص۱۷۵.

تکفیر، از طـایفه ای از متکلمان که با تنگ نظری عـده ای از مسـلمانان را تکفیر کرده انـد، انتقاد کرده و توصـیه کرده است تا جایی که ممکن است، از تکفیر اهل قبله پرهیز شود.(۱)

بنابراین، هرکس به شـعایر اسـلامی پایبند باشد و نشانه های دین الهی را بزرگ شمارد، مسلمان است و باید حرمت او را حفظ کرد. طبیعی است که آزار این چنین فردی حرام است و غیرمسلمان نامیدن او، نوعی آزار تلقی می شود.(۲)

خلاصه:

تکفیر به دور از مفهوم واقعی اش، فقـط دست مایـهٔ سـلب حیثیت و طرد و قتل بخش مهمی از مسـلمانان توسط سـلفیان وهابی شـده است. شـکل گیری گروه خـوارج و حرکت هـای خشـونت بـار آنـان، بـا تکفیر در ارتبـاط بـود؛ به گونه ای که می توان خوارج را نخستین گروهی برشـمرد که مسلمانان را تکفیر کردند. پس از خوارج، وهابیت به سبب برخورداری از موقعیت های مالی و سیاسی، مهم ترین فرقهٔ مروج و مجری تکفیر به شمار می رود.

۱- . غزالی، فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه، ص۸۵تا۱۰۱.

۲- . نک: علی آل محسن، کشف الحقائق، ص۲۰۱و۲۰۲.

فصل دوم: نفی تکفیر

اشاره

تصویر



ص:۱۷

تصوير



ص:١٨

۱.تکفیر و فرهنگ قرآن

در فرهنگ قرآن، نمی توان به کافربودن کسی حکم داد که اظهار اسلام کند. به این آیه توجه کنید:

«وَ مَن یَقْتُلْ مُؤْمِناً مُّتَعَمِّداً فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِیهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَاباً عَظِیماً یَا أَیهُّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَتَبَیَّنُواْ وَ لَا تَقُولُواْ لِمَنْ أَلْقَی إِلَیْکُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیَاهِ الدُّنْیَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ کَثِیرَهٌ کَذَلِکَ کُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَیْکُمْ فَتَبَیَّنُواْ إِنَّ اللَّهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیراً»(۱)

و هرکس مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او جهنم است که در آن همواره خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برایش عذابی بزرگ آماده سازد. ای کسانی که ایمان آورده اید، چون برای جهاد رهسپار شوید، نیک تفحص کنید و به آن کس که بر شما سلام گوید، نگویید: «مؤمن نیستی.» شما برخورداری از زندگی دنیا را می جویید؛ حال آنکه غنیمت های بسیار نزد خداست. شما

۱- . نساء، ۹۳و۹۴.

پیش از این چنان بودید؛ ولی خدا بر شما منت نهاد. پس تفحص کنید که خدا بر اعمالتان آگاه است.

مفسران دربارهٔ شأن نزول این آیه چنین نوشته اند:

پس از نبرد خیبر، رسول خدا اسامه بن زید را همراه گروهی از مسلمانان به سوی یهودیان در یکی از روستاهای فدک اعزام کرد تا آنان را به اسلام یا قبول شرایط ذمّه دعوت کنند. یکی از یهودیان به نام مرداس بن نهیک با آگاه شدن از آمدن سپاه اسلام، اموال و خانوادهٔ خود را در پناه کوهی قرار داد و درحالی که به توحید و نبوت پیامبر گواهی می داد، به استقبال مسلمانان آمد. اسامه به خیال اینکه او از سر ترس، اظهار اسلام می کند، وی را کشت و اموالش را به غنیمت گرفت. پیامبر خدا از این رفتار که به کشتن یک مسلمان انجامید، ناراحت شد.(۱)

در پرتو آیهٔ گفته شده، مفسران و عالمان شیعه و سنی در این نکته هم عقیده اند که هرکس اظهار اسلام کند، نمی توان به کافربودنش حکم داد. دراین باره به دیدگاه چند مفسر سنی و شیعه اشاره می کنیم:

۱. محمد بن جریر طبری، مفسر نامی اهل سنت در قرن سوم معتقد است:

به کسی که به شما رو می آورد و قصد جنگ ندارد و خود را از شما

ص:۲۰

۱- . سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۰۰؛ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص۳۷۲.

و آیینتان نشان می دهد، نگویید: «مؤمن نیستی.»(۱)

۲. ابوالقاسم زمخشری، مفسر حنفی مذهب قرن ششم است. او به مکتب مذهب معتزلی گرایش داشته و این را در تفسیرش به طور آشکار بیان کرده است. او در تفسیر خود دربارهٔ این آیه می نویسد:

«سلام» به معنای انقیاد و تسلیم است و گفته اند به معنای اسلام است. همچنین این گونه بیان شده است که تسلیم به معنای تحیت به رسم مسلمانان است.(۲)

با این نگاه، به کسی که اظهار اسلام می کند یا به رسم مسلمانان به شما تحیت می گوید و سلام می دهد، نباید بگویید: «ایمان نیاورده ای.»

۳. امین الاسلام طبرسی، مفسر شیعهٔ قرن ششم نیز چنین دیدگاهی دارد.(۳)

۴. رشیدالدین ابوالفضل میبدی، مفسر ایرانی قرن ششم، یکی از پیروان متعصب مذهب شافعی است. او در تفسیر این آیه می نویسد:

نگویید کسی را که به تحیت مسلمانان شما را تحیت کرد، یعنی بر شما سلام کرد و شما را گفت که من مسلمانم: «لَسْتَ مُؤْمِناً» که تو مؤمن نه ای و آمن کرده نه ای. آنچه ظاهر کرد از اسلام، از

۱- . طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۴۰.

۲- . زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص۵۵۲.

۳- . نک: طبرسی، جوامع الجامع، ج۱، ص ۲۸۰.

تصوير



ص:٢٢

او بپذیرید و شمشیر از وی بردارید.(۱)

۵. شیخ احمد مصطفی مراغی، دانشمند شافعی مصری(۲) نیز معتقد است:

به کسی که رفتارش برای شما به گونه ای است که گواه بر اسلامش است، نگویید: «مؤمن نیستی و به دلیل ترس از مرگ این گونه رفتار می کنی»؛ بلکه ادعای او را بپذیرید و به موجب آن با او رفتار کنید.(۳)

دیدگاه این دانشمندان شیعه و سنی دربارهٔ آیه ای که به آن اشاره شد نیز تأمل برانگیز است:

۱. ملااحمد نراقی(۴) می گوید:

مقتضای آیهٔ شریفه آن است که هرکه اظهار اسلام نماید، مادامی که دلیل شرعی ثابت الحجیه بر کفر آن نباشد، ما نمی توانیم حکم به کفر آن کنیم.(۵)

۲. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء(۶) معتقد است:

خداوند اراده کرده است که مسلمانان میان خود، برادر و برضد دشمن، یار هم باشند. خواسته است که مسلمانان همچون یدِ

۱- . میبدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۲، ص۶۴۵.

۲- . وفات: ۱۳۷۱ق.

۳- . المراغی، تفسیر المراغی، ج ۵، ص۱۲۷.

۴- . وفات: ۱۲۴۵ق.

۵- . نراقی، رسائل و مسائل، ج ۳، ص۳۴۷.

۶- . وفات: ۱۳۷۳ق.

واحد برای قدرت نمایی برضد بیگانگان و دشمنان اسلام باشند. اما این قاعدهٔ اساسی را ابن عبدالوهاب نقض کرد و به خلاف این آیه رفتار کرد. او مسلمانان را کافر شمرد و آنان را در نقطهٔ مقابل هم انداخت. آنان به عنوان آلت دست دشمنان، برای درهم کوبیدن پایه های دین می کوشند و به واسطهٔ این گروه، مسلمانان کشته می شوند.(۱)

۳. حسن بن فرحان مالکی، از علمای سنی عربستان، ضمن استناد به این آیه می نویسد:

آیا با صراحتِ این آیهٔ شریفه، جایی برای تکفیر مسلمانان باقی می ماند؛ آن هم براثر اشتباهات روشن تکفیرکننده در مسئلهٔ توحید و شرک؟(۲)

۲.تکفیر و سنت پیامبر

مسلمان کسی است که شهادتین را بگوید و به شعایر اسلامی پایبند باشد و ضرورت دین را انکار نکند. احادیث نبوی نیز مسلمان بودن را در همین دایره تعریف می کند. محمدبن اسماعیل بخاری در صحیح خود، این حدیث را از پیامبر اکرم ثبت کرده است:

من شهد أن لا إله إلا الله و استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و أكل

ص:۲۴

۱- . کاشف الغطاء، نقض فتاوی الوهابیه، ص۳۳و۳۴.

۲- . نک: داعیه و لیس نبیاً، ص۱۲۷تا۱۳۳.

ذبیحتنا فهو المسلم له ما للمسلم و علیه ما علی المسلم.(۱)

هرکس به وحدانیت خدا شهادت دهد، قبلهٔ ما را جهت عبادت خویش قرار دهد، نماز را به جای آورد و از قربانیِ ما استفاده کند، او مسلمان است و حقوق مسلمان بر او جاری می شود.

ازاین رو، در سنت پیامبر اکرم تکفیر مسلمان روا نیست و در روایات به شدت از این رویه، نهی شده است؛(۲) ازجمله در سنن ابی داود آمده است:

ایما رجل اکفر جلا مسلماً فان کان کافراً و الا کان هو الکافر.(۳)

هرکه مسلمان دیگری را تکفیر کند، اگر او واقعا کافر باشد که هیچ؛ وگرنه خود او کافر است.

و این سخن نبوی:

اذا کفر الرجل اخاه فقدباء بها احدهما.(۴)

اگر کسی برادر خودش را کافر بنامد، یکی از آن دو، به عقوبت آن بدی دچار خواهد شد.

۱- . صحیح بخاری، ج۱، ص۱۰۳.

۲- . نک: سنن الترمذی، ج۵، ص۲۲، رقم۲۶۳۷؛ سنن ابی داود، ج۳، ص۴۵، رقم۲۶۴۳.

۳- . سنن ابی داود، ج۴، ص۲۲۱، حدیث۴۶۸۷.

۴- . صحیح مسلم، ج۱، ص۵۶.

خلاصه:

در فرهنگ قرآن، هرکس اظهار اسلام کند، نمی توان حکم به کافربودن او داد. مفسران و عالمان شیعه و سنی ذیل آیهٔ ۹۳ و ۹۴ سورهٔ نساء، بر این نکته هم عقیده اند که هرکس اظهار اسلام کند، نمی توان حکم به کافربودن او داد. در سنت پیامبر اکرم، مسلمان کسی است که شهادتین بگوید و به شعایر اسلامی پایبند باشد و ضرورت دین را انکار نکند. ازاین رو تکفیر مسلمان جایز نیست.

ص:۲۶

فصل سوم: ریشه های تکفیر

اشاره

تصویر



ص:۲۷

تصوير



ص:۲۸

۱.پی رنگ های فکری تکفیر

وقتی از پی رنـگ اندیشـهٔ تکفیر یاد می شود، شالودهٔ پدیـدهٔ تکفیر مراد است تا بتوان به ریشه های فکری و معرفتی آن دسـت یـافت. ازاین رو بایـد بنیـاد آن را در «اصـحاب حـدیث» جُست. اصـحاب حـدیث در قرن هـای سوم تا پنجم هجری، در فضای عمومی اهـل سـنت مطرح شدنـد و بـا نقش محوری احمـدبن حنبل[(۱)] و شـاگردان او، فکرشـان رواج یـافت. اهـل حـدیث، با محوریت حـدیث، به ترویـج ظاهرگرایی (تکیه بر ظاهر آیات و روایات) و تأویل گریزی (پرهیز از تأویل برخی آیات قرآن) و عقل ستیزی پرداختنـد.[(۲)] در بسـتر نص گرایی اهـل حـدیث، ده هـا بـاور نـاهمسو بـا اسـلام، هماننـد تشـبیه و تجسـیم خـدا و جبرگرایی روییـد. ابـن تیمیه و در پی او، محمـدبن عبـدالوهاب و پیروان آن دو، در چنین بسـتری پرورش یافتنـد و ثمرهٔ چنین جریانی هستند. ابن تیمیه با اتهام زنی به مسلمانان به ویژه شیعیان، آنان را کافر شمرد. او حتی مسلمانانی را کافر دانست که زیر بار تکفیر شیعه نمی رفتند.[(۳)] ابن کثیر، یار و شاگرد ابن تیمیه نیز معتقد است

ص:۲۹

۱- . وفات: ۲۴۱.

۲- . نک: ابن قتیبه، المعارف، ص۴۹۶تا۴۹۸.

۳- . ابن تیمیه، الصـارم المسـلول، ج۳، ص۱۱۰۸تا۱۱۱۲؛ أنهم شـر من عـامه أهـل الأـهواء و أحق بالقتال من الخوارج (مجموع الفتاوی، ج۲۸، ص۴۸۲).

شیعیانی که بر خلافت انتصابی امیرمؤمنان ازسوی پیامبر اصـرار کرده و عملکرد صـحابه را در این مسئله نقد می کنند، از دایرهٔ مسلمانان خارج بوده و

کافرند.(۱)

۲.تکفیر در دورهٔ معاصر

امروزه جریان سـلفیان وهابی، تکفیر را رهبری می کند و اگر در عقاید گروه های تندروی سلفی در برخی از کشورهای عربی نیز تکفیر دنبـال می شود، ریشه در پیروی آنان از ابن تیمیه و شاگرد او محمـدبن عبـدالوهاب دارد. همچنین تنـدروی برخی از نویسندگان و اتهام تکفیرشان به تشیع را می توان ناشی از انس آنان با جریان اموی دانست.(۲) جریان تکفیری سلفی، در سدهٔ اخیر، به دلیـل پشـتوانهٔ قوی مالی و سیاسـی حاکمان حجاز، پدیـدار شـد. این جریان از انحرافی نظری که ریشه در اندیشـهٔ ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب داشت، به انحرافی عملی و فاجعه آمیز تبدیل شد.

محمدبن عبدالوهاب همچون ابن تیمیه به مسلمانان نسبت کفر و ارتداد می داد. او حتی از مراد خود پیشی گرفت و فتوا به قتل یا کشـتن مسـلمانان داد و آنان را بـدتر از کفار دوران جاهلیت و سـزاوار مرگ دانست و تصاحب اموال و ناموس آنان را مباح اعلام کرد. محمدبن عبدالوهاب با صراحت به تکفیر امت اسلام پرداخت و در رسالهٔ کشف الشبهات بارها

ص:۳۰

۱- . و من وصـل من الناس الی هـذا المقام فقـد خلع ربقه الإسـلام و کفر بإجماع الأئمه الأعلام و کان إراقه دمه أحل من إراقه المدام (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص۲۵۲).

۲- . نک: امیرمحمد قزوینی، الآلوسی و التشیع، ص۱۱.

مسلمانان را مشرک، کافر، بت پرست، مرتد، منافق، منکر توحید، دشمن توحید، اهل باطل، نادان و شیطان خواند. او با تکیه بر این کتاب، خون و مال و ناموس مسلمانان را مباح شمرد و کشتارها و فجایع بسیاری آفرید. او در کتاب التوحید نیز، بسیاری از باورها و اعتقادات مسلمانان را در دایرهٔ شرک قرار داد. او دایرهٔ پیروان توحید و اهل ایمان را به قدری تنگ گرفت که همهٔ مسلمانان مشرک خوانده شده و خون و اموالشان مباح و ایمان تنها در پیروان او احتکار شد.(۱)

شیخ احمد زینی دحلان، متفکر سنی شافعی(۲)و(۳) می گوید:

وهابی ها هیچ کس را موحد نمی دانند؛ مگر کسی که از تمام گفته های آن ها پیروی کند.(۴)

دحلان از عالم مشهور دیگری به نام زهاوی نقل می کند:

اگر کسی سؤال کند مذهب وهابیان کدام است و نتیجهٔ این مذهب چیست، در جواب هر دو سؤال می گویم: «حکم به کفر همهٔ مسلمانان جهان.» این پاسخ کوتاه برای این گونه سؤال ها

۱- . نک: زینی دحلان، الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، ص۳۹.

۲- . احمد زینی دحلان مکّیِ شافعیِ، شیخ الاسلام و مفتی شافعی مکه مکرمه است که دو کتاب در نقد وهابیت نوشته است. دحلان در کتاب فتنه الوهابیه و دعوی المناوئین به تاریخ و اقدامات وهابیت می پردازد. کتاب الدرر السنیّه فی الرد علی الوهابیه نیز به رد عقاید وهابیت در بحث توسل و زیارت قبور اختصاص دارد.

۳- . وفات: ۱۳۰۴ق.

۴- . دحلان، دعوی المناوئین، ص ۱۶۶.

تصوير



ص:٣٢

کافی است.(۱)

شیخ حسن بن فرحان مالکی، منتقد جدی وهابیت،(۲) تصریح می کند:

متأسفانه اصل تکفیر مسلمانان را در کلمات محمدبن عبدالوهاب یافتم. مسلماً شیخ و تابعان او در این عقیده، راه صحیح را نپیموده اند.

ماهیت خشن و تکفیری وهابیت، موجب شد قدرت و خشونت در دل آن نهادینه شود. رویکرد جاری وهابیت، تکفیر پیروان مذهب شیعه است؛ اما خشونت و ددمنشی حرکت آنان، کیان جهان اسلام را به مخاطره انداخته و امنیت را از آنان سلب کرده است. فجایع خونین صورت گرفته در عراق، سوریه، لبنان، پاکستان و حتی مصر(۳) نمونه ای از ثمره های حرکت افراطی تکفیریان معاصر است. این فجایع، اندیشمندان مسلمان را در این نتیجه هم عقیده کرده است که نظریه پردازان جاهلی وهابیت

ص:۳۳

۱- . دحلان، دعوی المناوئین، ص۱۶۷؛ در نقد این تفکر انحرافی، نک: وهابیت بر سر دوراهی، ص۱۶۴.

۲- . فرحان از وهابیان برجستهٔ تجدیدنظرطلب است که کتابی در نقد رویکرد محمدبن عبدالوهاب در تکفیر نوشته است. او در کتاب داعیه و لیس نبیا، محمدبن عبدالوهاب را فقط مبلّغی دینی دانسته است که هرگز پیامبری معصوم نبوده است. انتشار این کتاب، خشم جریان خشن وهابیت را برانگیخت؛ به حدی که ابن فرحان را کافر و مرتد نامیدند.

۳- . در حادثه ای دردآور که در تیر۱۳۹۲ در مصر اتفاق افتاد، گروهی از تندروان سلفی شیخ حسن شحاته، مدرس الازهر را در استان الجیزهٔ مصر به طرز فجیعی به شهادت رساندند و به پیکرش تعرض و توهین کردند. علامه حسن شحاته در سال ۱۴۱۶ به مذهب شیعه گرویده بود و از رهبران شیعیان مصر به شمار می رفت. این حادثهٔ تلخ در جشن میلاد امام زمانS روی داد. در این حادثه، تعدادی از شیعیان مصر نیز کشته و زخمی شدند.

در اصل، خوارج قرن بیستم هستند.

وهابیتِ امروز را می توان آینهٔ خوارج دیروز دانست. این دو طیف، بی بصیرتان و منحرفانی هستند که شیطان رفتارشان را آراسته است و تنها خود را مسلمان واقعی انگاشته و دیگران را از دم تیغ تکفیر گذرانده اند و مصداق این آیه اند:

«وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبيلِ فَهُمْ لا يَهْتَدُونَ»(۱)

شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته و از راه خدا منحرفشان کرده است؛ چنان که روی هدایت نخواهند دید.

۳.علل تکفیر

اشاره

محور فتوای نمایندگان جریان تکفیر، فرافکنی و اتهام زنی به مسلمانان و به ویژه شیعیان است. آنان با نگاه وارونه به مفاهیمی چون توسل، شفاعت، زیارت و ساخت بنا بر مزار پیشوایان الهی، این رویکرد را از جلوه های شرک می شمارند؛ درحالی که این نکته ها مقبول اکثر صحابه و تابعین بوده است و به تبع آن، بسیاری از مسلمانان غیرشیعه بدان پایبندند. اما در این فضا، تنها شیعیان هدف تیر تکفیر آنان قرار گرفته اند و ریختن خونشان ثواب شمرده می شود!

محمدبن عبدالوهاب باور به توسل را شرک می شمارد و مسلمان

۱- . نمل، ۲۴.

واقعی را کسی می داند که از افراد توسل کننده اعلام بیزاری کند و آنان را کافر بداند.(۱) همچنین او به دروغ مدعی است که ریختن خون مسلمانانی که توسل می جویند، در همهٔ مذاهب مباح شمرده شده است:

همهٔ مذاهب اجماع دارند بر اینکه هرکس بین خود و خداوند واسطه ای قرار دهد و آنان را بخواند، کافر مرتد بوده و مال و خونش حلال است.(۲)

مفتیان معاصر وهابی نیز توسل به انبیا و صالحان را از جنس رفتار مشرکان می شمارند.(۳) حتی محمدبن صالح العثیمین، چنین فردی را مشرک و کافر می شمارد.(۴) بن باز، وهابی معاصر نیز مدعی است هرکس در هر بقعه ای از بقعه های زمین بگوید: «یا رسول الله یا نبی الله یا محمد، به فریاد من برس، مرا دریاب، مرا یاری کن، مرا شفا بده، امتت را یاری کن، بیماران را شفا بده، گمراهان را هدایت فرما» یا امثال این ها، برای خدا شریک در عبادت قرار داده و درحقیقت پیامبر را عبادت کرده است.(۵)

سلفیان با تفکیک نکردن «عبادت و پرستش» از «تکریم و ستایش»،

۱- . مجموعه مولفات شیخ محمد بن عبد الوهاب، ج۶، ص۱۴۶.

۲- . همان، ص۱۴۷.

۳- . فتاوای علماء البلد الحرام، ص۸۳، مسئلهٔ ۲۱.

۴- . مجموعهٔ فتاوا، ج۲، ص۱۶۷.

۵- . نک: مجموعهٔ فتاوا و مقالات متنوعه، ج۲، ص۵۴۹؛ نک: قفاری، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج۲، ص۵۱۷ و ج۳، ص۱۴۳۴.

تفسیر غلطی از «عبادت» ارائه داده و هر خضوعی را عبادت و تکریم انبیا و اولیای الهی را پرستش تلقی کرده اند. آنان با این فرض باطل، همگان را به شرک متهم می کنند.

عبدالله بن جبرین، مفتی معاصر وهابی، از مروجان تکفیر شیعه است. او همراه با چندی دیگر از مفتیان وهابی با صدور فتواهایی، خواستار انهدام مرقدهای امامان شیعه شد. همچنین در حماسهٔ جنگ ۳۳ روزهٔ مقاومت لبنان، فتوایی برضد حزب الله صادر کرد و حتی تا حد تحریم همه گونه پشتیبانی از حزب الله پیش رفت(۱)

و نوشت:

یاری کردن این حزب رافضی جایز نیست. جایز نیست تحت فرمان آنان رفت و جایز نیست برای پیروز و قدرتمندشدن آنان دعا کرد. نصیحت ما به اهل سنت این است که از آنان بیزاری جویند و کسانی را که به این حزب می پیوندند، رها کنند و دشمنی آنان با اسلام و مسلمانان و ضررهای کهن و جدید آنان را برای اهل سنت روشن کنند.

عبدالله بن جبرین ضمن مشرک دانستن شیعیان به دلیل توسل و ابراز ارادت به اهل بیت، چنین فتوایی داده بود:

آن ها توحیدشان را باطل و ایمانشان را نقض کرده اند و به اسلامیت خود اخلال رسانده اند. پس باید با آنان جنگید تا به دین

۱- . نک: Le Monde diplomatique، اسلامیسم سنی و حزب الله، نوشتهٔ Bernard ROUGIER.

و به سمت خدا باز گردند.(۱)

با تأمل در آیات قرآن درمی یابیم که توسل به سبب ها و به ویژه استمداد و حاجت خواهی از انبیا و اولیای الهی امری پذیرفته شده است. در متون تفسیری، آیهٔ «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اتَّقوا الله وَ ابْتَغوا اِلَیهِ الْوَسیلَةَ»(۲) به توسل باز گردانده شده است.(۳) همچنین آیهٔ «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً»(۴) مهم ترین نمونه از جواز طلب آمرزش از پیامبر اکرم است که این درخواست، توسل به شمار می رود.(۵)

پنجره:

در منابع شیعه و سنی، احادیث مستند متعددی نیز دربارهٔ توسل وجود دارد و بیشتر این روایات بر جواز توسل به

۱- . نک: www.ibn-jebreen.com

۲- . مائده، ۳۵: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و وسیله ای به درگاهش به دست آورید.»

۳- . در نگاه مفسران، این آیه، تحصیلِ وسیله برای قرب الهی همراه با جهاد در راه خدا را موجب رستگاری مؤمنان دانسته است و خداوند از مؤمنان می خواهد برای پذیرش درخواست ها، پی جوی «وسیله» به سوی خداوند باشند (بیضاوی، انوار التنزیل، ج۲، ص۱۲۵؛ شوکانی، فتح القدیر، ج۲، ص۴۵).

۴- . نساء، ۶۴: «و اگر ایشان بعد از آنکه به خود ستم کردند، نزد تو آمدند و آمرزش خدا را خواستند و رسول هم برایشان طلب مغفرت کرد، خواهند دید که خدا توبه پذیر رحیم است.»

۵- . نک: مریم، ۴۷؛ توبه، ۱۱۴؛ یوسف، ۹۷و۹۸؛ آل عمران، ۱۵۹؛ ممتحنه، ۱۲؛ توبه، ۱۹و۸۰.

پیامبر گواهی می دهد.(۱) توسل به پیامبر و آل او(۲) در زمان حیات و پس از رحلت ایشان، سیره ای پذیرفته شده در میان مسلمانان صدر نخست و سده های پسین تلقی شده است. با درنگ در متون تاریخی، نمونه های زیادی از توسل یافت می شود؛(۳) به گونه ای که زینی دحلان مدعی است کسی در برابر این اقبال به توسل، ایستادگی و نقدی نداشته است.(۴)

۱- . در منابع حدیثی اهل سنت، عثمان بن حنیف از مرد نابینایی حکایت می کند که نزد پیامبر آمد و از ایشان برای بازیابی بینایی اش مدد خواست و به برکت دعایی که پیامبر به او آموخت، شفا یافت. در این دعا او به دستور پیامبر به ایشان توسل جست و با این سخن: «یا محمد انی اتوجه بک الی ربی» حضرت را مخاطب قرار داد. (احمدبن حنبل، مسند، ج۴، ص۱۳۸؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج۵، ص۵۶۹؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج۱، ص۴۴۱). در این دعا، به شخص پیامبر توسل شده است. حاکم نیشابوری این حدیث را بنا بر شرط شیخین، بخاری و مسلم، درست می شمارد (حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج۱، ص۳۱۳). علی ناصف در کتاب حدیثی خود که حاوی صحاح پنج گانه جز ابن ماجه است، این حدیث را در بابی با عنوان «یجوز التوسل الی الله بأحبائه» آورده است (علی ناصف، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج۱، ص۳۱۹).

۲- . آلوسی مدعی است که مانعی در توسل به پیشگاه خداوند به مقام پیامبر وجود ندارد؛ چه درحال حیات پیامبر و چه پس از رحلت ایشان. وی معتقد است توسل جستن به مقام غیرپیامبر در پیشگاه خدا نیز مانعی ندارد؛ به شرط اینکه او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد (آلوسی، روح المعانی، ج۴، ص۱۱۴و۱۱۵).

۳- . جنگجویان مسلمان در دورهٔ خلافت ابوبکر در جنگ با اهل ردّه، شعار «یا محمداه» سر دادند (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج۶، ص۳۲۹). همچنین مردم مدینه از عهده داری زیادبن ابیه ازسوی معاویه بر امارت شهرشان، به قبر پیامبر پناه بردند و به ایشان متوسل شدند و پس از سه روز، زیاد هلاک شد (مسعودی، مروج الذهب، ج۳، ص۳۲). رویکرد غالب در توسل ها، فریادرسی و استغاثه است که طلب آمرزش گناهان نیز در آن قرار دارد. زرقانی سبب و انگیزهٔ گرایش مردم به زیارت و توسل به اولیا را از میان رفتن گناهان زوّار این مکان ها ذکر کرده است (شرح علی المواهب اللدنیه، ج۸، ص۳۱۷).

۴- . دحلان، الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، ص۳۱.

۴.جنایات تکفیری ها

اشاره

شکل گیری و استقرار وهابی ها، بر قتل و جنایت برضد مسلمانان استوار بود و آنان در پرتو حمایت دولت استعماری انگلستان و با نظارت و مشاورهٔ مأموران ویژهٔ بریتانیایی و با تکیه بر تکفیر، کشتارهای متعددی را سامان دادند؛ به گونه ای که در تاریخ وهابیان هیچ جنگی با دشمنان و کفار ثبت نشده است. به گزارش ابن بشر(۱) از دورهٔ اول و دوم دولت سعودی، وهابیان هرجا پا می گذاشتند، مردان را می کشتند و همهٔ دارایی آنان را به غارت می بردند و زنان را به عنوان کنیز تصاحب می کردند.(۲)

ابن غنام(۳) از شاگردان محمدبن عبدالوهاب نیز به عنوان نخستین وقایع نگار وهابی، دربارهٔ حمله به ریاض مدعی است که مردم از ترس سپاه وهابی شهر را ترک کردند و در بیابان ها از گرسنگی و تشنگی مردند. سعود نیز با لشکرش آنان را تعقیب کرد و هرکسی را که قدرت شمشیر به دست گرفتن داشت، در میانهٔ راه کشت.(۴)

ابن غنام به یکی از حمله های سعود به قطیف به بهانهٔ مبارزه با بت ها اشاره می کند و مدعی است سپاه سعود پس از محاصرهٔ شهر سیهات، وارد آن شدند و هرکس را در آن یافتند، کشتند. کشته ها ۱۵۰۰ نفر می شدند همچنین آنچه از اموال در این شهر بود که توصیف کردنی و شمارش پذیر نیست، غارت

۱- . وفات: ۱۲۸۸ق.

۲- . ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج۱، ریاض: الریاض الحدیثه، ص۸۷.

۳- . وفات: ۱۲۲۸ق.

۴- . حسین بن غنام، تاریخ نجد، دارالشروق، ۱۹۹۴، ص۱۳۸.

تصویر



ص: ۴۰

کردند.(۱)

حافظ وهبه(۲) مشاور ملک عبدالعزیز، از قول این حاکم سفاک سعودی می نویسد:

نزدیکان دولت سعودی، در کتاب جزیره العرب می نویسند که عبدالعزیز می گفت: «هنگامی که جد ما، سعود، مشغول جنگ با قبایل منطقهٔ حجاز بود، گروهی از بزرگان قبیلهٔ مطیر را به اسارت گرفت. برخی از ریش سفیدان این طایفه برای شفاعت نزد سعود آمدند و از وی خواستند از این گروه درگذرد؛ اما سعود دستور داد که سر از بدن اسرا جدا کنند. سپس سرها را در طبق هایی از غذا قرار دادند و این طبق ها را در مقابل بزرگان طایفهٔ مطیر قرار دادند. عبدالعزیز به آنان دستور داد که از این غذا که سرهای اقوامشان بر آن نهاده شده بود، بخورند و چون این کار را نکردند، تمامی آن افراد را نیز کشتند.»(۳)

وهابیان با حمله به طائف، به مدت سه روز این شهر را برای خود حلال کردند. در این جنایت، بسیاری از مردم طائف فرار کردند و افراد باقی مانده نیز به قتل رسیدند.(۴) وهابیان در منطقهٔ قصیم، بیش از پانصد نفر را سر بریدند و قاضی اهل سنت شیخ ابراهیم بن عمر را که از

ص:۴۱

۱- . نک: همان، ص۱۷۹تا ۱۸۰.

۲- . وفات: ۱۳۸۷ق.

۳- . Longrigg S.H. for Centuries of Modern Iraq،Oxford،۱۹۲۵. p. ۱۴.

۴- . سعودبن هذلول، تاریخ ملوک آل سعود، ص۱۵۱تا۱۵۳.

درخواست عبدالعزیز برای صدور فتوا به کفر دشمنان او سر باز زده بود، دست بسته درون گودالی انداختند و او را سوزاندند.(۱)

جنایات تکفیری ها برضد شیعیان نیز گویا و انکارناپذیر است. حملهٔ وهابیان تکفیری به کربلا در سال ۱۲۲۶ق هرگز فراموش نمی شود. اکنون نیز پیروان مذهب شیعه، آماج بیشترین حملات وهابیان قرار دارند.

خلاصه:

امروزه جریان سلفیان وهابی، تکفیر را رهبری می کنند. عقاید آنان ریشه در افکار و اقدامات ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب دارد. ابن تیمیه با اتهام زنی به مسلمانان و به ویژه شیعیان، آنان را کافر می شمرد. محمدبن عبدالوهاب حتی از مراد خود، ابن تیمیه پیشی گرفت و به کشتن مسلمانان فتوا داد. او آنان را بدتر از کفار دوران جاهلیت و سزاوار مرگ دانست و تصاحب اموال و ناموسشان را مباح اعلام کرد. ماهیت خشن و تکفیری وهابیت، موجب شد قدرت و خشونت در دل آن ها نهادینه شود. رویکرد جاری وهابیت، تکفیر پیروان مذهب شیعه است؛ اما خشونت و ددمنشی حرکت آنان، امنیت را از همهٔ مسلمانان سلب کرده است.

۱- . ناصر السعید، تاریخ آل سعود، ص۱۳۹.

فصل چهارم: نقد از درون

اشاره

تصویر



ص:۴۳

تصویر



ص:۴۴

معروف است که وقتی مرگ ابوالحسن اشعری، پیشوای مکتب اشاعره(۱) فرا رسید، یارانش را جمع کرد و گفت:

شاهد باشید من هیچ یک از اهل قبله را به سبب گناهی که از او سر زد، تکفیر نکردم؛ زیرا آنان را دیدم که همگان به سوی معبود واحدی متمایل اند و اسلام شامل آنان می شود.(۲)

سعدالدین تفتازانی شافعی(۳) مدعی بود:

کسی را که اهل قبله، اما مخالف حق است، نمی توان کافر شمرد؛ تازمانی که او ضروریات دین را انکار نکرده باشد. ضروریات دین اموری چون حدوث عالم و محشورشدن اجساد در قیامت است. همانا پیامبر و پس از او، هیچ گاه عقاید مردم را تفتیش نمی کردند.(۴)

۱- . وفات: ۳۲۴.

۲- . شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج۲، ص۱۲۶.

۳- . وفات: ۷۹۲.

۴- . تفتازانی، شرح المقاصد، ج۵، ص۲۲۷.

پنجره:

نگـاه افراطی جریان تکفیری را بایـد با نوع نگاه بسیاری از متفکران سـنی مقایسه کرد. ازجمله اینکه آنان در برابر این حرکت انحرافی واکنش نشـان دادنـد و اندیشـمندان سـنی بـا تکفیری هـا مخـالفت هـای فراوان کردنـد. پس از طرح نظرهای تکفیری محمدبن عبدالوهاب، جدی ترین نقدها را عالمان اهل سنت بیان کردند.

ذینی دحلان مدعی است محمدبن سلیمان کردی، استاد وی، بر محمدبن عبدالوهاب خرده گرفته و او را از تکفیر مسلمانان باز داشته است.(۱) یکی از نقـدهای صـریح به او را برادرش سـلیمان بن عبدالوهاب وارد کرده است. او در بخشـی از نقد مکتوب خود به برادرش محمد، چنین می نویسد:

شما اکنون کسانی را کافر می شـمارید که به یگانگی خداوند و رسالت محمد شـهادت می دهند؛ نماز به پا می دارند؛ زکات می دهنـد؛ روزهٔ رمضان می گیرند؛ حج به پا می دارند؛ به خداوند و فرشـتگانش و کتاب هایش و پیامبرانش ایمان دارند و به تمامی شـعایر اسـلامی پایبندند. شـما آنان را کافر می دانید؛ درحالی که می پرسیم در این مسئله از چه کسی پیروی می کنید؟ این رویکرد

۱- . دحلان، الدرر االسنیه فی الرد علی الوهابیه، ص۳۸و۳۹.

را از چه کسی بر گرفته ایـد؟ اگر ادعا کنیـد آنان را کافر می دانیم، چون به خدا شـرک ورزیده اند و خدای فرموده است: «ان الله لا یغفر ان یشرک به»(۱) (=هرآینه خدا نمی آمرزد گناه کسانی را که به او شرک آورند)، در پاسخ می گوییم: آیات الهی حق است؛ اما اهل علم در تفسیر «شرک آورده به خدا» گفته اند: کسی است که ادعا کند برای خدای شریکی است؛ مانند این سخن مشرکان: «هولاء شرکاونا»(۲) (=اینان شـریک عبادت ماینـد) و این آیات: «و ما نری معکم شـفعاءکم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکاء»(۳) (=و هیچ یک از شـفیعانتان را که می پنداشتید با شما شریک اند، همراهتان نمی بینیم.) «إذا قیل لهم لا إله إلا الله یستکبرون»(۴) (=چـون بـه آنـان گفته می شـد که جز خـدای یکتـا خـدایی نیست، تکـبر می کردنـد.) «أ جعـل الآلـهه إلهاً واحداً»(۵) (=آیا همهٔ خدایان را یک خدا گردانیده است؟)(۶)

سلیمـان بن عبـدالوهاب در فصـلی دیگر اذعان می کنـد که مـذهب سـلف، تکفیرنکردن فرقه های اسـلامی است. او سـپس به تفصیل، دیدگاه علمای

ص:۴۷

۱- . نساء، ۴۸.

۲- . نحل، ۸۶.

۳- . انعام، ۹۴.

۴- . صافات، ۳۹.

۵- . ص، ۵.

۶- . سلیمان بن عبدالوهاب، فصل الخطاب، ص۲۸تا ۳۰.

بزرگ سنی را مطرح کرده(۱) و در پایان، از عمق فاجعهٔ جریان تکفیر رمزگشایی می کند و خطاب به بنیان گذار جریان وهابی می نویسد:

شما با تکیه بر گمان خود دیگران را کافر می شمارید؛ حتی آنان را که در گرایش به اسلام صراحت دارند نیز کافر می دانید. در نزد شما کسانی که با خداترسی به حکم تکفیرتان، بهایی نمی دهند نیز کافرند.(۲)

پاسخ رهبر جریان وهابی به برادرش سلیمان، چیزی جز کافردانستن او نبود. محمدبن عبدالوهاب، برادرش را ملحد و دشمن دین خواند.(۳)

حرکت فتنه گرای تکفیری را بسیاری از جریان های اسلامی نقد کرده اند؛ زیرا به اعتقاد همگان، اسلام، کافردانستن مسلمانانی را که ایمان خود را اعلام کرده اند و آداب دینی را به جا می آورند، جایز نمی شمارد. نقطهٔ کانونی ترویج جریان تکفیر، تزلزل جوامع مسلمان بود؛ آن گونه که اخوان المسلمین مصر در گذشته، تکفیر و طرد مسلمانان را موجب فتنه می شمرد که چه بسا به شکاف در امت اسلامی بینجامد و فقط به دشمنان اسلام سود برساند.(۴)

۱- . همان، ص۵۳تا۶۷.

۲- . همان، ص۷۴.

۳- . محمدبن عبدالوهاب، مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ص۲۸۶و۲۹۴.

۴- . جان ل. اسپوزیتو، دایرهالمعارف جهان نوین اسلام، ترجمهٔ حسن طارمی و دیگران، ج۲، ص۲۴۱.

خلاصه:

نقطۀ کـانونی ترویـج جریان تکفیر، تزلزل جوامع مسـلمان و رواج فتنه بود. ازاین رو بسـیاری از متفکران جهان اسـلام در برابر حرکـت انحرافی تکفیری هـا واکنش نشـان دادنـد و اندیشـمندان سـنی بـا سـلفیان تکفیری مخـالفت فراوان کردنـد. بـه اعتقـاد همگان، اسلام، کافردانستن مسلمانانی را که ایمان خود را اعلام کرده اند و آداب دینی را به جا می آورند، جایز نمی شمارد.

ص:۴۹

تصوير



ص:٥٠

سخن آخر

پدیدهٔ تکفیر از سدهٔ نخست اسلام، با توجه به تحولات تاریخی، فراز و فرودهایی داشته است. آمیختگی آن با جریان وهابیت و بروز و ظهور آن در بخش های وسیعی از جهان امروز، روشنگری مخصوص به خود را می طلبد؛ به ویژه آنکه این جریان افراطی، پشتوانهٔ سیاسی و مالی فراوان دولت های خاص عربی و سرویس های اطلاعاتی استکباری را دارد و خود را تابلوی اسلام در دورهٔ معاصر تلقی می کند. متأسفانه پراکندگی و نومیدی و سکوت حاکم بر جریان های فکری موجود در جهان اسلام و برخورداری تکفیری ها از امکانات نفتی و گازی عربستان، زمینهٔ یکه تازی وهابیان و ادعاهای واهی آنان در نمایندگی اسلام را فراهم آورده است؛ درحالی که وهابیت تابلویی وارونه از اسلام است.

ص:۵۱

بیشتر بخوانیم

۱. جعفر سبحانی، آیین وهابیت.دفتر انتشارات اسلامی

۲. نجم الدین طبسی، شناخت وهابیت.دلیل ما

۳. سیدمهدی علی زادهٔ موسوی، سلفیگری و وهابیت.دفتر تبلیغات اسلامی

۴. محمدباقر پورامینی، تافتهٔ جدابافته. مرکز پژوهش های جوان

ص:۵۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹